

# نهضت جنگل

خود گرد آورد و به یک سلسله اقدامات ابتدایی علیه حکومت و منافع آن دست زد.

او جگریری این اقدامات، باعث شد تا اسکوفه، کنسول روس، در رشت در پی چاره جویی برآمد و حاکم گیلان را به اقدام علیه میرزا ترغیب و یابه عبارتی وادار نمود.

اولین برخورد میان نیروهای دولتی و بازاران میرزا، در محلی به نام «داوساره» در نزدیکی بساج رخ داد.

پس از این واقعه، تازمانی که سرانجام میرزا، در کوهستانهای پوشیده از برف، یخ زد (۱۳ آذر ۱۳۰۰) و جان آفرین تسلیم نمود، نهضت جنگل، میرزا کوچک خان و جنگلیها، خواب خوش پر دولتیان و حامیان خارجی آنها حرام کردند.

حرکت جنگل را، میتوان به سه دوره تقسیم بندی کرد:

۱- دوره مبارزه با حکومت قاجاریه و روسها  
۲- دوره مبارزه با انگلیسها  
۳- دوره مبارزه با دولت پهلوی

مرح و مرج داخلی، آشفتگی اوضاع اجتماعی و سیاسی و عدم امنیت فقر و قحطی، پراکندگی نیروهای اجتماعی، سیاسی و... از جمله مسائلی است که پس از جنگ جهانی اول، گریبانگیر جامعه و مردم ایران شده بود. این مسائل، گرچه ریشه در ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور داشت، ولی با کشیده شدن تاخوارسته ایران به جنگ بین المللی اول، رشد یافت و به دلیل دخالتهای آشکار قدرتهای خارجی نظیر انگلستان، روسیه تزاری، آلمان و عثمانی در امور داخلی ایران، تشدید شد.

بروز این مسائل در جامعه ای که به دنبال برپایی انقلاب مشروطه، آرمانهای بلندی در سومی بروزانید، واکنشهای خدیجه ای برانگیخت که از آن جمله، می توان وقوع جنبشهای انقلابی در مناطقی نظیر گیلان و آذربایجان و اعتراض و نافرمانی نسبت به حکومت مرکزی را در نقاط دیگر نام برد.

پیدایش نهضت جنگل، در چنین شرایطی بود. رهبر این نهضت،

میرزا کوچک خان، در سال ۱۳۰۰ (۱۳ آذر ۱۳۰۰) در رشت، گیلان، متولد شد. او در کودکی به تهران مهاجرت کرد و در آنجا در مدرسه «مدرسه عالی» تحصیل کرد. او در سال ۱۳۰۰ (۱۳ آذر ۱۳۰۰) به گیلان بازگشت و در آنجا در مدرسه «مدرسه عالی» تحصیل کرد. او در سال ۱۳۰۰ (۱۳ آذر ۱۳۰۰) به گیلان بازگشت و در آنجا در مدرسه «مدرسه عالی» تحصیل کرد.

تازمان بهبود روابط آن دولت با دولت مرکزی ایران، ادامه یافت.

وقوع انقلاب در شوروی و سقوط تزارها، موجب شد تا ابتدا نیروهای روسی، از صحنه عمل گیلان حذف شوند و پس از روی کار آمدن بلشویکها، به ظاهر، جنگلیها، از حمایت مادی و معنوی دولت شوروی بهره‌مند گردند. ولی در این مرحله، انگلستان، رقیب دیرینه و مستی روسیه تزاری در ایران، تصمیم گرفت تا برای کمک و رسانی به ضد انقلابیون روسی از یک سو و به منظور سرکوب جنبش، با هدف تأمین منافع خود و بلعیدن یکپارچه ایران از سوی دیگر، در مقابل نهضت جنگل فرار گیرد و به همین منظور، نیروهای خود را به گیلان اعزام داشت.

حاکم وقت گیلان، در گزارش ماهانه خود، ذیل عنوان وضعیت نظامی انگلیسها، چنین نوشته است: «قوای نظامی انگلیسها، که مرکزش در آنزلی است با همان نظم و دیسیپلین و با یک خوش رفتاری و بی طرفی قابل تحسین، متمرکز و رؤسای آنها و صاحب منصبان، در هر موقع، مساعدت و معاضدت ... را با ما موریان دولت ایران نموده، عده قشون هندی عوض شده و به جای آنها، نفرات جدیدی گذاشته. در رشت، ساخلو معمولی، کماکان باقی است» (۴)...

در این دوران، بر خوردهای چندی میان نیروهای جنگل و نیروهای دولتی رخ داد و به شهادت همین گزارش، وضعیت، به اندازه‌ای حساس شده بود که نیروهای دولتی، دیگر قادر به مقابله با آنها نبودند؛ «سأله، به اندازه‌ای مهم و مبهم بود که آقای سردار معظم (۵) در آخرین روزهای حرکت خود، با رئیس قشون (۶) هم عقیده بودند که اطفای نایره جنگل، از عهده قوای دولت ایران خارج و گویا پروژه‌ای آدرنظر داشتند که قلع و قمع آنها را به قشون و قوای

### دولت انگلیس حواالت نمایده (۷)

مرحله سوم از زمانی آغاز شد که روابط شوروی با دولت انگلیسی، در جریان مذاکرات لندن (۱۹۲۱) بهبود یافت. در این دوران، بیخ نیروهای انگلیسی و عوامل داخلی‌شان، که با کودتای ۱۲۹۹، بر سر کار آمده بودند، برای سرکوب جنگلیها از یک سو، و تحریکات داخلی درون نهضت، که به تفرق نیروها و درگیریهای داخلی انجامید، از سوی دیگر، موجب آن شد تا سقوط نهضت، به شکلی آسان عملی گردد.

در تاریخ ۱۳ آذر ۱۳۰۰، میرزا، در حالی که تمامی اهراس بر اثر درگیری با نیروهای رضاخان از بین رفته یا متفرق شده بودند، تنها و غریب، در کنار کانوک آلمانی، در کوهستانهای پراز برف، بیخ زد و مردانه جان سپرد. سر میرزا از تن جدا کرده، به تهران ارسال کردند. البته قبل از آن هم، در رشت، سراز تن جدا شده و بهر نهضت را، برای عبرت دیگران و آیندگان، در ملاء عام به نمایش گذاشتند!!

با شهادت میرزا، نهضت جنگل نیز سرکوب شد؛ یاران صمیمی میرزا نیز، توسط نیروهای دولتی، دستگیر و اعدام یا تبعید شدند.

### پی نوشتها:

- ۱- ۲. مه نقل از فصلنامه تحقیقات تاریخی گنجینه اسناد، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۱، ص ۷۶
۳. نهضت جنگل، ابراهیم فخرازی، صفحه ۷۶
۴. نمودارهای وزیر دربار بعد.
۵. اسد شماره ۷
۶. رضاخان.
۷. اسد شماره ۳



## مقام صنایع وزارت جلیله داخله دامت شوکتہ

با کمال افتخار، راپورت جامع یکماهه برج عقرب حوزه ایالت گیلان را، حضور مبارک تقدیم می نماید. نظر به اینکه کلیه دوائر حکومتی در تمام ایالات و ولایات مسلکت ایران، به همان اصول قدیم باقی بوده و هنوز اصلاحات جدیدی را برای حکومت‌های حالیه، قائل نشده اند، به همین ملاحظه، در ایالت گیلان هم، تا روزی که فدوی موفتاً شروع به کار نمود، به هیچوجه وسایل کار کردن فراهم نبوده و مهمترین وظایف ایالت گیلان، عبارت بوده است از پیدا کردن منابعی که بتوانند از آن، استفاده های خصوصیه می پندارند.

به همین لحاظ است که قصور و بعضی نواقص این راپورت، برای اولین مرتبه، که تقدیم حضور مبارک می گردد، قابل عذر خواهد بود. راپورتی که تقدیم می شود، دارای شش قسمت است، راجع به وضعیت نظامی، راجع به وضعیت سیاسی، راجع به وضعیت داخلی، راجع به وضعیت اداری، راجع به اوضاع تجارته لواراجع به وضعیت صنایع.

## قسمت اول و وضعیات نظامی

در اول برج عقرب، مطابق اطلاعات رسمی، که از طرف اداره قشونی و اطلاعات خصوصیه به دست آمده بود، قوای جنگلیها، در آخرین محاربه ماسوله، که جنگلیها، مجبور به تخلیه آن شدند، عبارت بود از چهارصد و پنجاه و سه نفرات مسلح و سه قبضه تفنگ پنجاه تیر که قائم مقام توپ مسلسل است و دو دست، نفرات خاص غیر مسلح که برای رساندن آذوقه و تشکیل دایره جاسوسی و اطلاعات، موظف و مستخدم اردوی میرزا کرچک خان بودند. گذشته از این، اوضاع به اندازه ای وخیم بود که هر آن، به قوای کوچک خان افزوده شده و از اهالی شهر و فرقه، دائماً قسمتهائی که از فشار و تعدیات مامورین دولتی به تنگ آمده بودند و همچنین، کسانی که از عدالت خواهی اولیای دولت، مادیوس و نومید بودند، در صورت امکان، به قوای دشمن محلق می شدند و یا اینکه با احساسات و افکار خود، در پیشرفت مقاصد آنها می کوشیدند.

مسئله، به اندازه ای مهم و حیثیت بود که آقای سردار معظم، در آخرین روزهای حرکت خود، با رئیس قشون هم عقیده بودند که اطفای نایره جنگل، از عهده قوای دولت ایران، خارج ... و گویای پروژه های ادرا نظر داشتند که قلع و قمع آنها را به قشون و قوای دولت انگلیس، حواله نمایند. تا روز اول برج عقرب، همیشه حملات از طرف جنگلیها بوده و قوای دولتی، همیشه در مقام مدافعه بوده اند. قسمتی از قشون مرعوب و قسمت دیگر، از بی نظمی و عدم دیسپلین استفاده ها نموده و با این رویه، به شکست قوای دولتی معاضدت می نمودند. در شهر رشت و اطراف، صدی بود و آنچه از افکار عامه، طرفدار جنگلیها شده و کم کم متفقدین



به واسطه مسدود کردن بندر تولم و گستر و همچنین، دایر نمودن یک سرویس تعینش خیلی اطمینان بخش، که در سواحل بحر جزر و باد کوبه و درشت است. صلی بود و رنط جنگیب بارو سیه و داخله، مقطوع گردیده و متجاوز از یک خروار و پنجاه من باروت و مقداری فشنگ و چندین مراسله، به دست آمده و همچنین، به واسطه فداغن بودن خرید و فروش و حمل برنج در صفحات فومن، که به این وسیله، داری پول می شد. متبع مالیاتی جنگلیها، دچار فلج گردیده. در تعقیب همین اقدامات بود که میرزا کوچک خان، بیشتر به عقد صلح و تسلیم خود راضی شده و شرایط خود را به ناره، اداره حکومتی رسال داشته و تقاضای متارکه جنگ نمود.

درخواست متارکه رد شده، فقط قبول شرایط اعطای تاءمین جانی و محبتت، به مشارالیه اخطار گردید. در عرض این ماه، تغییراتی که در قشون به عمل آمد، عبارت بود از انتقال آتریاد گیلان به آسارا و رسیدن قوای جدید به جای آنها و همچنین، عبور یک عده قزاق و اسلحه با کتیل راویچ، به طرف آسرا باد. از وجود سربازها، چندان استفاده نشد و شکایات وارده از دست آنها، کمی تخفیف پیدا نموده است. قوای طالبش، هنوز چندان مرتب نبود. ولی در دو جنگی که شده است، به تصدیق فرمانده فرونت، خوب جنگ نمودند.

### وضعیات نظامی انگلیسیها

قوای نظامی انگلیسیها، که مرکزش در اتزنی است، با همان نظم و دیسپلین و با یک خوش رفتاری و بیطرفی قابل تحسین، متمركز و روئسانی آنها و صاحب متصبیان، در هر موقع، معاشرت و معاذت لازم را با مامورین دولت ایران نموده، عده قشون هندی عوض شده و به جای آنها، نفرات جدیدی گذاشته. در رشت هم، ساخمو معمولی، کماکان باقی است. کاپیتن وارن، که نماینده سیاسی نظامی بود، عوض شده و به جای مشارالیه، کاپیتن کرد، معین گشته است.



وزارت امور خارجه  
اداره روسیه  
سواد روسیه  
مورخه ۲۰ آگوست ۱۹۱۵  
نومبر ۱۹۱۵

از انکلیس که در این حال در حال است  
بر سر این است که دولت ایران در این باره  
۱۰ - هر چه میسر است در این باره  
انگلیس در این باره  
اعراض نشده  
بهر جهت در این باره  
نگاه است  
برسد  
و هر چه  
خاطر  
که  
جمع  
بنام  
انکه  
انکه

از انکلیس که در این حال در حال است  
بر سر این است که دولت ایران در این باره  
۱۰ - هر چه میسر است در این باره  
انگلیس در این باره  
اعراض نشده  
بهر جهت در این باره  
نگاه است  
برسد  
و هر چه  
خاطر  
که  
جمع  
بنام  
انکه  
انکه





